نام و نام خانوادگی:	وزارت آموزش و پرورش	زمان:	ناصرنوین پایه هفتم بهترین ها در بهترین
امتحان: کلاس:	اداره کل آموزش و پرورش خراسان رضوی	ساعت:	
شماره دانش آموز:	مدیریت آموزش و پرورش ناحیه ۷ مشهد	تاریخ:	
نام دبیر:	مجموعهٔ دبیرستانهای غیر دولتی ناصرنوین	نوبت:	مهر
نمرهٔ دبیر باعدد: با حروف:	نمرهٔ تجدیدنظر:	امضا:	آموزشگاه

ردیف	سؤالات	بارم
	پدر رحمه‌الله علیه را گفتم: «از اینان یکی سر بر نمی‌دارد که دوگانه‌ای بگزارد.» گفت: «تو نیز اگر بخفتی، به از آن که در پوستین خلق افتی.» غرقه‌ی شکوه و اعجاز و زیبایی خلقت بودم که ناگهان نوازش لطیف و خنکی را در لای انگشتان پاهای برهنه‌ام احساس کردم. آب، این روح مذاب زندگی، زلال و با گام‌های استوار شتابان می‌رفت. شبی مادرم از من درخواست کرد که امشب نزد من بخسب. مادرم دعا کرد و گفت: «یا رب! تو از وی خوشنود باش و درجتش، درجه اولیا گردان.» اسکندر در اثنای سفر به شهری رسید و از گورستان عبور کرد. سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت؛ زیرا مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ‌ها حک شده بود، هیچ کدام از ده سال تجاوز نمی‌کرد. بزرگی در پاسخ او گفت: «قسمت اعظم عمر به غفلت سپری می‌شود.» پانزده روز مرخصی‌ام مثل باد گذشت. دیگر زمان رفتن بود. آن روز صبح باید ساعت نه جلوی در پادگان بودیم تا از همان جا به جبهه اعزام شویم. خوب به یاد دارم، وقتی از خواب بلند شدم، عزا گرفته بودم که چطور به ننه‌ام بگویم.	

جمع بارم : ۲۰ نمره